

معماری دست‌کند منطقه جَوین سمنان

محمدحسین بحرالعلومی

عضو هیئت علمی، پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
mh_bahr2003@yahoo.com

محمد بلوری

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، نویسنده مسئول
mohamad_boluri@yahoo.com

صدرالله میربابایی

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، عضو پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی
sadrollah.mirbabaee@gmail.com

امین کیوانلو

کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، عضو پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی
amin_keyvanloo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۹ / ۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴ / ۱۰ / ۲۲

چکیده

جَوین در حدود پنجاه کیلومتری شمال غربی شهر سمنان قرار دارد. این منطقه، مجموعه‌ی زیستی قابل توجهی را در خود جای داده است و نمونه‌ی بارزی از معماری بسیار کاربردی با حداقل هزینه را نمایان می‌سازد، که نشان‌دهنده‌ی قدرت مهندسی پیشینیان ماست. در منطقه‌ی جَوین معماری دست‌کند به چند شکل گوناگون، رُخ نشان می‌دهد. در این منطقه با توجه به کوهستانی بودن منطقه، جهت شیب بستر، و همچنین جنس خاک، نوعی از معماری دست‌کند مُطبق شکل گرفته است. در مناطقی از روستا، معماری دست‌کند و معماری ساخته‌شده با یکدیگر ادغام شده و معماری ترکیبی را به وجود آورده اند. بخش مسکونی روستا در شیب ناحیه‌ی شمال و شمال شرقی درّه قرار دارد. برخی از این خانه‌ها محصول ترکیب معماری دست‌کند و معماری خشتی است. اما قابل توجه‌ترین بخش معماری دست‌کند روستا، قلعه‌ی جَوین معروف به «قلعه‌ی گبری» یا «کافرقلعه» است. این قلعه در شیب قسمت جنوب غربی دره و در پرتگاه صخره‌ای بلند، در دل کوه کنده شده است. فضاهای داخلی این اثر معماری کم‌نظیر، در چند طبقه صورت بسته و به شکل پیچیده‌ای با یکدیگر ارتباط دارند؛ تا آنجا که دسترسی به طبقه‌ی همکف به سادگی امکان‌پذیر نیست.

این پژوهش کوششی در جهت معرفی و مستندنگاری آثار دست‌کند روستای جَوین و پژوهشی در موضوع تاریخ معماری این آثار است. در این راستا با جمع‌آوری اطلاعات به روش میدانی، تهیه‌ی نقشه‌های معماری و مطالعات کتابخانه‌ای، با رویکرد تحقیق توصیفی - تحلیلی، سعی بر شناخت و معرفی ویژگی‌های کالبدی این آثار تاریخی غیر منقول شده است. بی‌شک می‌توان با مطالعات در این زمینه، به ابعاد جدیدی از دانش بومی در این روستا دست یافته و در جهت مدیریت پایدار این ثروت‌های فرهنگی گام‌های مؤثری برداشت.

واژه‌های کلیدی

معماری دست‌کند، قلعه‌ی گبری، کافرقلعه، مسکن دست‌کند، روستای جَوین سمنان.

منتهی می‌گردد. به همین دلیل، این منطقه به دو بخش کوهستانی و دشتهای پای کوهی تقسیم می‌شود. به طور کلی آب و هوای این استان در نواحی کوهستانی سرد، در دامنه کوهها معتدل و در کنار کویر گرم است.

استان سمنان امروزی، بخشی از ایالات «ورن» یکی از ایالات شانزده‌گانه دوران باستان است که در دوره مادها و هخامنشیان بخشی از قلمروی سرزمین «پارت» بود. این منطقه در تمام دوره حکومت مادها و هخامنشیان، جزء «کومیسنه یا کومیشان» و «قومس» به شمار می‌رفت. در دوران باستان در محل «آتشکده بزرگ هریس» در «کومش» یعنی سمنان شهری عظیم با بتخانه‌ای بزرگ و ساختمانی رفیع وجود داشته است. به همین علت احتمال می‌رود که مردم این سرزمین قبل از داشتن دین زرتشتی، دارای مذهب «سمنی» یا «سمنیه» بوده اند (بی‌نا، ۱۳۹۰).

در سال ۱۳۵۵ شمسی، طبق تصمیم دولت وقت با اضافه شدن دماوند، فیروزکوه، گرمسار و ورامین، فرمانداری کل سمنان به استان سمنان تبدیل شد و مرکز آن نیز همچنان شهر تاریخی سمنان باقی ماند. البته طبق تقسیمات کشوری سال‌های اخیر، سه شهر دماوند، فیروزکوه و ورامین از استان سمنان جدا گردیدند.

موقعیت جویین در مسیرهای تاریخی

دامغان و سمنان از ولایت قومس بودند، شمال این ولایت به هیرکانیا، یعنی سواحل رود گرگان که به دریای خزر می‌ریزد، اتصال داشت، و از آنجا متوجه ولایت پارت‌ها می‌شد که قدیم‌ترین مراکز آنان در محل قوچان کنونی و منطقه نسا - که خرابه‌های آن که امروزه در نزدیکی عشق‌آباد است - واقع بود (ابن فقیه، بی‌تا: ۲۰۳). ابوریحان بیرونی نیز مسیر گرگان تاری را بررسی کرده آن را هفتاد فرسخ می‌داند. از نظر او مسافت میان جرجان و ری از راه قومس (ناحیه دامغان) هشتاد فرسخ؛ و از راه دماوند و ساری نیز همین اندازه است و چنان می‌نماید که این دو راه در راستایی نزدیک به یکدیگر اند. اما فاصله از راه آمل ده فرسخ بیش‌تر است. و فاصله آمل و ساری از ری به یک اندازه است، و این چنین می‌گوید: «با

روستای «جَویین» تقریباً در جنوب فیروزکوه و شمال جاده تهران به سمنان قرار گرفته است. این روستا از توابع شهرستان سرخه استان سمنان است. قلعه و آثار مسکونی دست‌کند روستا در بیست کیلومتری شمال شهر لاسجرد قرار دارد. کمبود اطلاعات تاریخی در اسناد و مدارک تاریخی پیرامون قلعه و منطقه جَویین و عدم امکان استقرار گروه، یکی از دشواری‌های مطالعه و برداشت میدانی در این خصوص بود. پیشینه تحقیق در این باره منحصر است به مقاله «معماری دست‌کن در غار جویین» و پرونده ثبتی محراب سلجوقی مسجد روستای جَویین به کوشش آقای حسن رضوانی. در راستای پژوهشی کامل‌تر، نیاز به مستندنگاری و برداشت‌های دقیق‌تری بود. یکی از دست‌آوردهای پژوهش، تولید اسناد لازم جهت ثبت ملی این آثار کم‌نظیر در فهرست میراث فرهنگی و نیز ایجاد زمینه لازم جهت حفاظت و نگهداری این آثار بود. در این تحقیق بر مبنای گردآوری داده‌ها از دو روش ترکیبی تحقیق تاریخی - تفسیری و توصیفی - تحلیلی استفاده شد. چگونگی شکل، کالبد و کارکرد معماری دست‌کند منطقه جَویین و قدمت این آثار دست‌کند از سؤالات پیش‌روی تحقیق است. یکی از فرضیه‌های تحقیق با توجه به اینکه جویین منطقه حکومتی اسماعیلیان بوده و با توجه به دژ موجود در جویین، تعلق این آثار به این فرقه و دوره پیش از آن است. بدین لحاظ می‌توان به وجود آمدن این قلعه را مربوط به پیش از اسماعیلیان در نظر گرفت یا مورد استفاده قرار گرفتن قلعه یا توسعه آن به دست ایشان را متصور بود. پس از اسماعیلیان نیز تا زمان ایلخانیان با توجه به منبر چوبی تاریخ‌دار، مسجد مورد استفاده قرار گرفته است. لذا در این پژوهش منابع مکتوب دوران اسماعیلیان تا دوران قاجار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جغرافیای تاریخی حوزه نفوذ روستای جویین

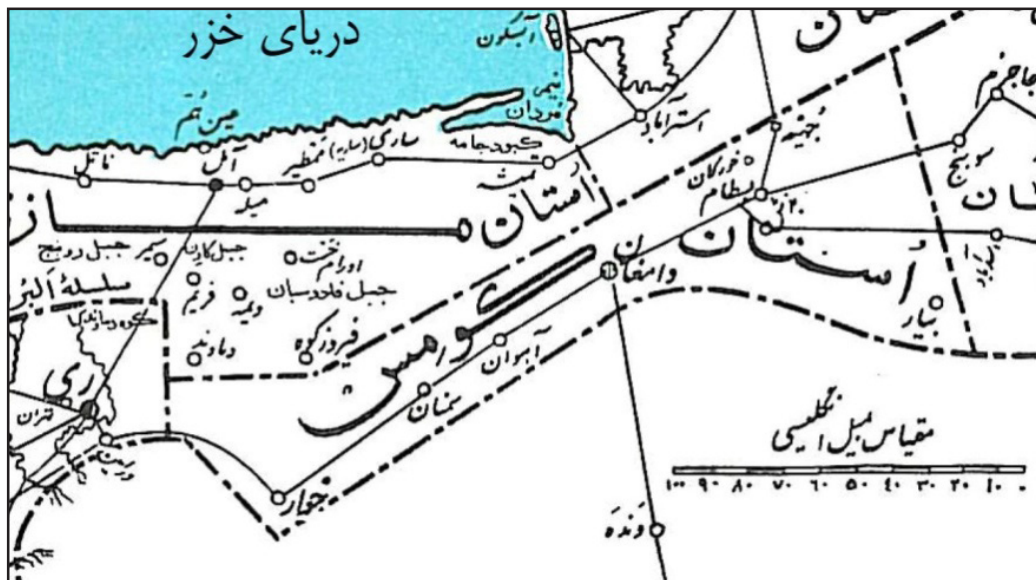
سمنان در دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه البرز واقع شده که ارتفاع آن از شمال به جنوب کاهش می‌یابد و به دشت کویر

آنکه دو راه میان ری و جرجان با یکدیگر برابر است، این راه می‌دانیم که راه ساری به خط مستقیم نزدیک‌تر است، چه بالا رفتن و فرود آمدن در آن بیش‌تر است، و بیشتر راه در آن با راستای واحد پیموده می‌شود. و راه راست آمیان ری و جرجان در حقیقت میان دو راه قومس و ساری قرار دارد» (بیرونی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۱۲). همچنین می‌دانیم که بیشتر اهالی روستای جَوین در حال حاضر یعنی دهه هزار و سیصد و نود شمسی، ساکن ساری و آمل هستند و مابین روستای جَوین و شهر ساری در رفت و آمد اند. حدوداً اهالی از اواسط بهار تا آخر تابستان در روستا ساکن اند. همچنین به گفته اهالی در چند دهه گذشته ساکنان جَوین از کوه‌های شمالی روستا به وسیله احشام خود به منطقه ساری حرکت می‌کردند؛ لذا احتمال می‌رود راه‌ها و ایل‌راه‌های مزبور از شاخه‌های یا زیرشاخه‌های مسیر تاریخی عبور آنان در گذشته‌های دور باشد (نقشه ۱).

مهم‌ترین راه ایالت جبال همان شاهراه بزرگ و کاروان‌رو خراسان است و از بغداد شروع می‌شد؛ بدین ترتیب که اول از قرمیسین (کرمانشاه) گذشته به همدان می‌رسید و از آنجا به ساوه می‌رفت، سپس به سمت شمال معطوف گردیده به ری می‌رسید، آنگاه به سمت مشرق می‌رفت و به قومس و از آنجا به خراسان می‌رسید (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۴۵-۲۴۶). منازل

بین راه تهران تا مشهد در دوران قاجار این چنین بوده است. «خاتون‌آباد، ایوانکی، قشلاق، ده نمک و آرادان، لاسگرد و عبدل‌آباد، سرخه، سمنان، آهوان، دولت‌آباد و قوشه، دامغان و قومس قدیم» (قاجار، ۱۳۶۴: ۵). با این وصف دسترسی نزدیک قلعه جَوین به مسیر اصلی کاروان‌رو می‌تواند این فرضیه را که قلعه به مثابه انبار کالاهای سرقت‌شده از کاروان‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است، تقویت کند.

جاده غربی - شرقی کوهپایه از دامغان می‌گذشته است. از همین راه بود که گروه عظیمی از زوار به طرف مکان‌های مقدس حجاز و عراق می‌رفته‌اند (عدل، ۱۳۷۸: ۱۵). از همین مسیر مغولان از خراسان به سمنان و خوار آمده کشتار و غارت کردند (البناکتی، ۱۳۸۶: ۳۶۸). به گفته «ابن خردادبه» از ری تا مفضل‌آباد چهار فرسخ، از مفضل‌آباد تا کاسب شش فرسخ و از کاسب تا فریذین را هشت فرسخ مسافت باشد، سپس تا خوار شش فرسخ و از آنجا تا قصر الملح هفت فرسخ راه است، سپس تا رأس الکلب هفت فرسخ، از آنجا تا سمنان هشت فرسخ، از سمنان تا آخرین نه فرسخ و از آن نقطه تا قومس هشت فرسخ فاصله است، لذا از ری تا قومس شصت و سه فرسخ راه است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۶).

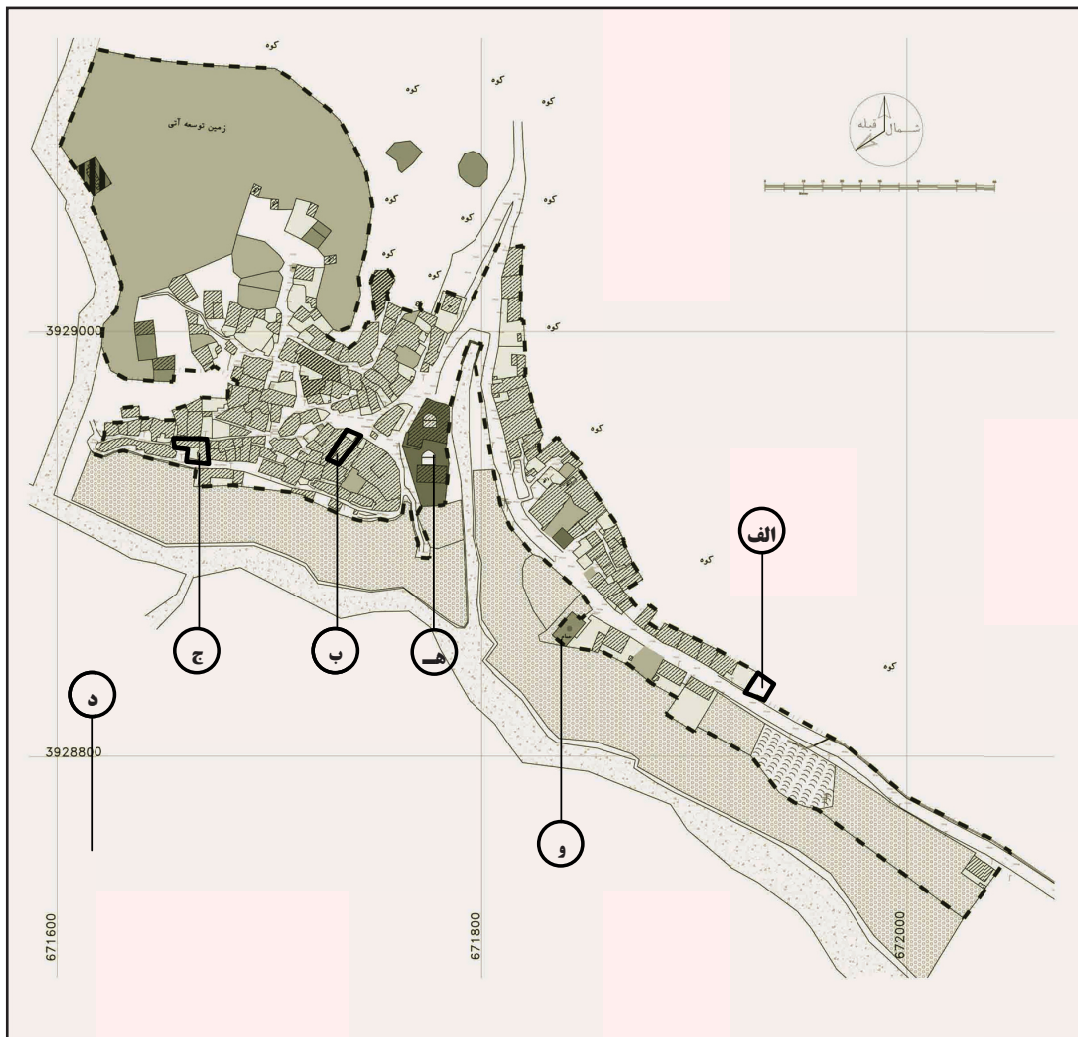


نقشه ۱. این تصویر مسیرهای ارتباطی استان مازندران و ایالت جبال را نشان می‌دهد. جَوین در مسیر بین خوار تا سمنان قرار می‌گیرد (مأخذ: لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۲، ویرایش نگارندگان).

ساخت فضایی و جمعیتی روستای جَوین

روستای جَوین در نزدیکی روستای ایچ قرار دارد. روستا بر دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز واقع است و به دو بخش یا محله به نام‌های پیش‌محله (پایین‌محله) و جُرمحله (بالامحله) تقسیم شده است، که می‌توان مسجد را مرز فرضی بین این دو محله در نظر گرفت (نقشه ۲). مطابق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت روستای جَوین ۲۶ نفر در قالب یازده خانوار بوده است. اما طبق مصاحبه با اهالی و برداشت میدانی در زمان حضور گروه در تابستان ۱۳۹۴ شمسی،

تعداد نفرات این روستا حدود چهل نفر بوده است. لازم به ذکر است که در تابستان‌ها با بازگشت اهالی خوش‌نشین روستا، جمعیت آن را به حدود ۲۰۰ نفر می‌رسد. در فصل زمستان تنها یک خانوار در روستا زندگی می‌کند. از لحاظ جغرافیایی روستا در بین چهار کوه شکل گرفته است. در خط القعر مشترک بین این کوه‌ها، رودی جاری است. در اصل این رودخانه و منبع آن، رگ حیاتی روستاست. فضاهای معماری از بستر کوهپایه تبعیت کرده و بافت زیستی روستا موازی با مسیر رودخانه اصلی، در راستای شمال غربی - جنوب شرقی



نقشه ۲. موقعیت فضاهای دست‌کند برداشت (رولوه) شده در نقشه وضع موجود روستای جَوین، الف: فضای دست‌کند مسکونی بدون الحاقات؛ ب: فضای دست‌کند مسکونی با الحاقات و طرح پلان ساده؛ ج: فضای دست‌کند مسکونی با الحاقات و طرح پیچیده؛ د: قلعه دست‌کند روستای جَوین؛ ه: مسجد تاریخی با محراب نفیس؛ و: حمام روستا (مأخذ: طرح هادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سمنان، ویرایش نگارندگان).

شکل گرفته است. بافت روستا عناصر اصلی یک مجتمع زیستی اسلامی را دارد. این عناصر شامل عناصر فرهنگی و اجتماعی همچون یک باب مسجد دارای محراب بسیار نفیس (که هم اکنون فقط محراب آن به جا مانده است)، گرمابه تاریخی و عناصر مولد همچون دو باب آسیاب و دو دژ دفاعی بوده است. می‌توان دو مسیر ارتباطی اصلی روستا را شناسایی کرد: یکی مسیر مالروی شمالی که دسترسی روستا با مازندران را میسر می‌کند، و دیگر مسیر جنوبی است که ارتباط روستا را با لاسجرد بر مسیر اصلی زیارتی خراسان - ری است، برقرار می‌کند. کاروانسرای شاه عباسی لاسجرد نیز گواه آن است. لهجه عمومی اهالی مازنی است.

وجه تسمیه جَوین

در لغت‌نامه دهخدا به نقل از فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد یک آمده: «جَوین دهی است جزو دهستان اختر پشت کوه بخش فیروزکوه شهرستان دماوند، دارای ۳۵۰ تن سکنه. آثاری از قلعه خرابه کافر و بنای امامزاده معصوم از آثار باستانی آن به شمار می‌رود».

در سفرنامه سیف‌الدوله که مربوط به دوران قاجار است، درباره آبادی لاسجرد که در مسیر ده جَوین قرار دارد آمده: «آبادی لاسگرد در جلگه کوچکی واقع و ده معتبری است. اصل بنای آن قلعه مدور بسیار محکمی از مصالح کبالت بوده است. وسط این قلعه چاهی بوده که از داخل چاه به اطراف، چند مسیر وجود داشته است و کسی انتهای این نقب‌ها را ندیده است. در خارج این قلعه، خانه‌های رعیتی زیاد و آب آن از چشمه است. باغات و زراعت خوبی دارند. پنبه و خربزه و هندوانه اینجا خوب کشت می‌شود. از این رو زن‌های این آبادی بسیار زیبا می‌شوند. پنبه بسیار خوب است و به سمnan و طهران به جهت فروش می‌برند. خارج از آبادی لاسجرد، کاروانسرای قدیمی است. این کاروانسرا چاپارخانه هم دارد» (قاجار، ۱۳۶۴: ۲۸۵-۲۸۶). این گفته نشان می‌دهد که در دوره‌ای معماری دست‌کند در این منطقه رواج داشته است.

گونه‌های دست‌کند مسکونی روستای جَوین

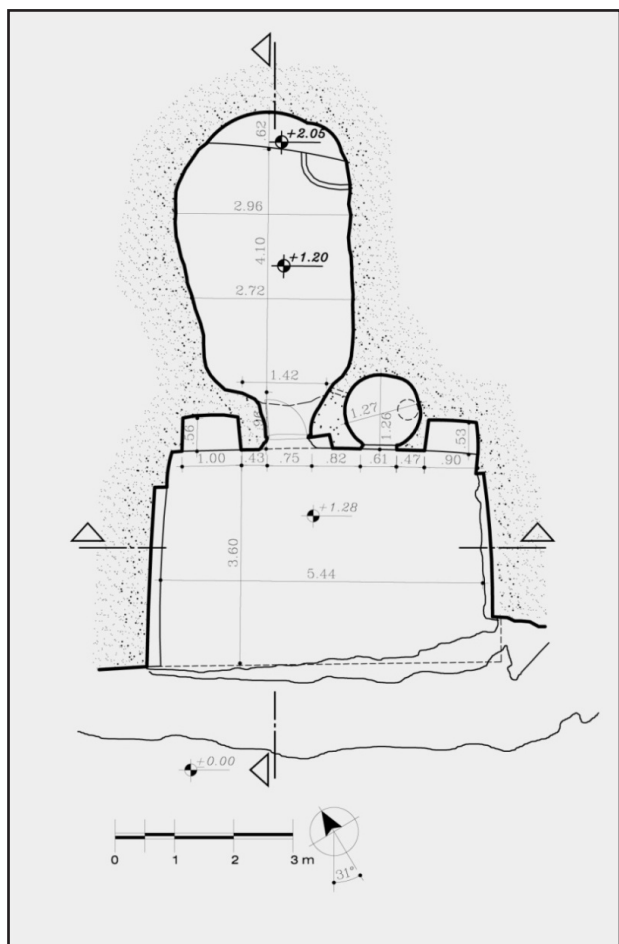
در ایران روستاهای متعددی وجود دارد که اهالی آن‌ها به روش‌های مختلف با استفاده از معماری دست‌کند، تمام یا بخشی از فضاهای مورد نیاز خود را تأمین کرده‌اند... برخی دیگر از روستاهای دست‌کند نیز ترکیبی از معماری دست‌کند و ساخته‌شده با مصالح بنایی هستند. اکثر فضاهای این روستاهای دست‌کند، از کاستن توده پُر بستر طبیعی شکل یافته‌اند. در برخی دیگر نیز مانند روستای «ویند» فضاهای دست‌کند در زیر زمین هستند و ساخت‌وسازها روی آن‌ها انجام شده است (اشرفی، ۱۳۹۴). فضاهای معماری روستاهای کندوان و میمند عمده‌تاً دست‌کند هستند ولی بیش‌تر فضاهای روستای جَوین ترکیب دست‌کند و دست‌ساز است. این معماری دست‌کند که تقریباً در تمام سطح روستا و در پشت‌خانه‌های خشتی روستا جای دارند، در حال حاضر پستوی خانه‌ها هستند.

دست‌کندهای بدون الحاقات، بالاتر یا هم‌تراز سطح زمین، در ابتدای ورودی روستا قرار دارند و به شکل افقی کنده شده‌اند. یکی از این فضاها در ابتدای روستا و بخش پیش‌محله (پایین‌محله) قرار دارد (نقشه ۲). این معماری دست‌کند یکی از چند فضای باقی‌مانده روستای جَوین است، که بنایی در جلوی آن ساخته نشده و به نظر می‌رسد اصیل‌تر از دیگر دست‌کندها باشد. از این لحاظ این فضا یک فضای دست‌نخورده و به طور نسبی سالم است. این دست‌کند دارای فضای نیمه‌باز (عنصر ایوان) و فضای بسته (اتاق سکونت) است. اتاق دارای عناصر معماری دیگری از جمله مخزن آذوقه، طاق و طاقچه و مکان قرار دادن وسیله روشنایی است (نقشه ۳). فضای باز و نیمه‌باز (ایوان) این دست‌کند بیش‌تر در رابطه با کاربردهای روزمره غالباً مسکونی بوده است. این ایوان معمولاً مکمل فضای زندگی در بخش سرپوشیده محسوب می‌شود و هماهنگی خاصی را در فضا پدید آورده است. با بررسی معماری آن درمی‌یابیم که این فضا از تناسب خاصی تبعیت می‌کند که در القاء احساس محصور بودن فضا یا عکس آن مؤثر است.

ایوان

اجزای تشکیل دهنده این فضای نیمه باز (ایوان) شامل کف و جداره‌هاست (نقشه ۴). از چند لحاظ مهم‌ترین بخش این دست‌کند عنصر ایوان است که فضای نیمه باز این واحد مسکونی را شکل داده است. کف ایوان با ابعاد طول ۵/۵ متر و عمق ۳/۶۰ متر، مساحتی حدود ۲۰ متر مربع دارد. هیچ تنوری در کف دیده نشد. ارتفاع طاق از سطح کف ایوان حدود ۳ متر است که به شکل قوسی هلالی کنده شده و فضای باشکوهی را به وجود آورده است. قرینه‌سازی در جداره‌های ایوان تا حد امکان به واسطه دو طاقچه و در جداره شمالی و دو طاقچه ممتد در جداره شرقی و غربی ایجاد شده است. ایوان با توجه به شکل بستر زمین کنده شده، رو به جنوب غربی شکل گرفته و آفتاب‌گیر است. کنار در ورودی طاقچه‌ای برای گذاشتن شمع وجود دارد (نقشه ۵). قابل توجه است که فضای ایوان با گل اندود شده است (تصویر ۱).

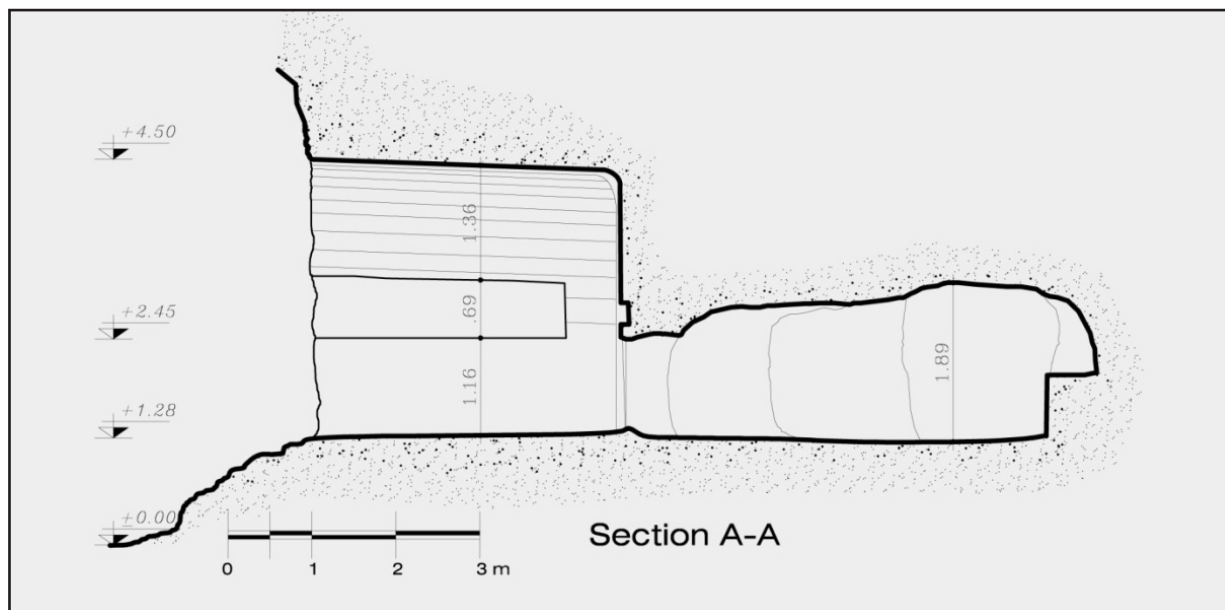
البته این ایوان دست‌کند به پاره‌ای عملکردهای جنبی نیز جواب می‌دهد. به خصوص با توجه به وضع اقلیمی سرد و خشک منطقه در زمستان، مانع از تبادل سریع حرارت از داخل به خارج (در فصول سرد) و از خارج به داخل (در



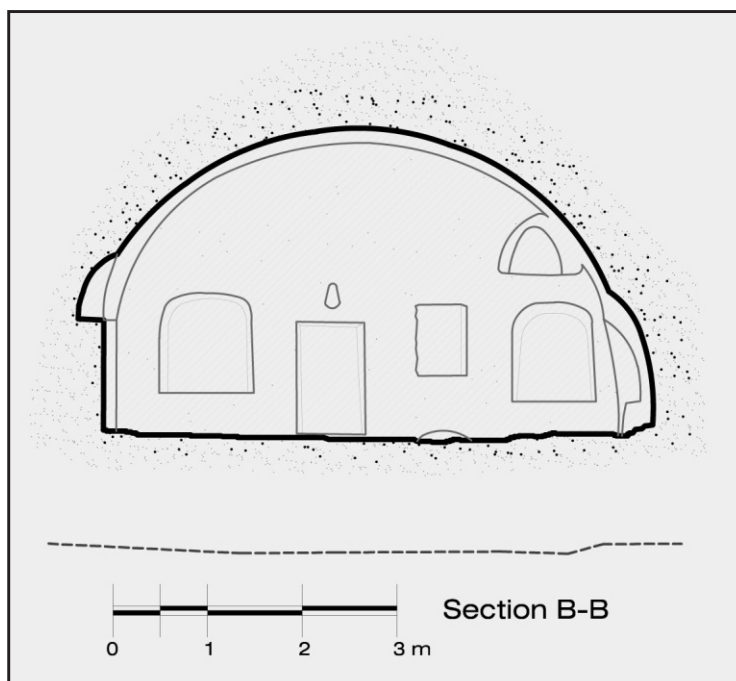
نقشه ۳. مقطع افقی از دست‌کند مسکونی بدون الحاقات (ترسیم از: نگارندگان).



تصویر ۱. یکی از دست‌کندهای بدون الحاقات روستای جوین (عکس از: نگارندگان، تابستان ۱۳۹۴).



نقشه ۴: مقطع طولی از دست‌کند مسکونی مورد نظر بدون الحاقات (ترسیم از: نگارندگان).



نقشه ۵: مقطع عرضی از دست‌کند مسکونی بدون الحاقات (ترسیم از: نگارندگان).

مخزن آذوقه

به مخازن گندم در روستای جوبین «پالیفه» می‌گویند. پالیفه مخزنی به شکل استوانه به قطر حدود ۱/۳ متر است که در بخش شرقی پشت ایوان واحد مسکونی بدون الحاقات قرار دارد (نقشه ۳). این مخزن به وسیله حفره‌ای کوچک

فصول گرم) می‌شود. ایوان دست‌کند کاربرد دیگری نیز داشته است و در حد فاصل نیازهای کاربردی فضا (دریچه تهویه مخزن آذوقه) و تزئین و تقویت غنای بصری فضای خانه قرار می‌گیرد.

آغل‌های دست‌کند (کُهل)

کُهل فضای بسته دست‌کندی است که برای نگهداری احشام از آن استفاده می‌شود. طول این فضا بیش از پنج برابر عرض آن است. در این فضاها احتیاج به تهویه طبیعی امری ضروری است. بنابراین کانال دودکش‌مانندی در سقف آن‌ها برای تخلیه هوا ایجاد شده است که به زبان محلی بدان «دَوَنگ» یا «سَرَسرا» می‌گویند.

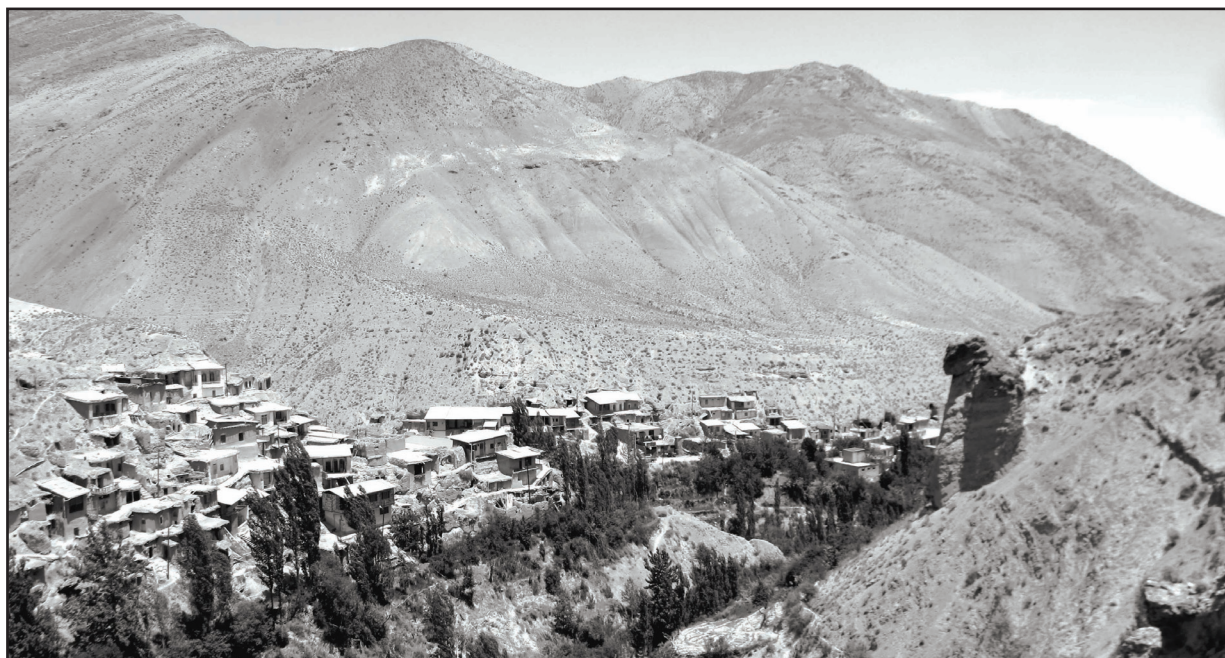
قلعه‌گیری جَوین

موقعیت قلعه به گونه‌ای است که بر روستا مسلط است و از این نقطه می‌توان کلیه فعالیت‌های جاری در روستا را تحت نظر داشت (تصویر ۲). به نظر می‌رسد وظیفه این قلعه دفاع از آبادی و پناه دادن ساکنان بوده است. اهالی روستای جَوین در مواقع بحرانی به این محل پناه برده و پس از رفع خطر به محل زندگی خود برمی‌گشته‌اند. ورودی طبقات فوقانی، ۵ متر از کف اصلی بالاتر است. فضاهای اصلی این مجموعه در ترازهای بالایی آن ایجاد شده و به گونه‌ای در هم تنیده‌اند که شناخت فرم و شکل معماری آن نیاز به دقت بسیار دارد.

وجود نیم‌طبقه‌ها در بخش‌هایی از فضاهای مرکزی داخلی و دسترسی‌های دشوار در ترازهای ارتفاعی از ویژگی‌های بارز این دست‌کند است.

در دامنه‌های جنوبی و شمالی رشته کوه‌های البرز از قدیم‌ترین ایام دژهای بی‌شماری بنا شده‌اند که تاریخ بنای پاره‌ای از آن‌ها به قبل از اسلام نیز می‌رسد. سلاطین محلی می‌کوشیدند که دژهای محکم و قلاعی که دسترسی به آن‌ها مشکل باشد (تصویر ۳)، برای زندگی یا پنهان داشتن گنجینه‌های گران‌بهای خود بسازند. گاهی نیز شورشیان سعی می‌کردند از قلعه‌های آماده (موجود) استفاده کنند یا دژهایی در محل‌های مناسب بسازند، که اسماعیلیان از این دسته‌اند (ستوده، ۱۳۴۵: ۱). لذا می‌توان قلعه روستای جَوین را از این نظر بررسی کرد.

حسن بن صباح در ری متولد شده و همانجا به عقیده باطنیه گرویده بود. او برای تکمیل معتقدات در زمان خلافت المستنصر به سال ۴۷۱ق به مصر سفر کرد. پس از یک سال و نیم اقامت به ایران بازگشت و به تبلیغ پرداخت و قلعه الموت را مقر خویش ساخت (۶ رجب ۴۸۳ق) و طرفداران بسیار یافت. حسن با پیروان خویش از الموت به نقاط دیگر



تصویر ۲. نمای عمومی روستای جَوین (عکس از: نگارندگان، تابستان ۱۳۹۴).

دست‌اندازی می‌کرد و اسماعیلیه چند قلعه را در نواحی دیگر تصرف و یا به ساختن قلاعی در اقطار مختلف اقدام کردند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲). در دوران حکومت امویان و عباسیان به‌ویژه پس از قتل ابومسلم خراسانی به دست منصور دوانیقی، شورش سراسر ایران را در بر گرفت و نهضت‌های بی‌شماری به وقوع پیوست که از مهم‌ترین آن‌ها «قیام سنباد زردتشتی» بود. در اندک زمان، زرتشتیان طبرستان و نواحی جنوب طبرستان یعنی سنگسر یا همان مهدی‌شهر، شه‌میرزاد و فولادمحله، به رهبری وی، قومس و ری را به تصرف درآوردند، ولی در ساوه شکست خوردند و «سنباد» به قومس گریخت (بی‌نا، ۱۳۹۰). به نقلی از صاحب کتاب *طبقات ناصری*، در زمان حسن صباح و جانشینانش، اسماعیلیان توانستند بر صد و پنج دژ دست یابند که سی و پنج دژ ایشان در طالقان، الموت و رودبار بود و هفتاد دژ در بخش قومس و قهستان قرار داشت (ستوده، ۱۳۴۵: ۷). ایالت قومس یا کومش از کانون‌های مهم اسماعیلیان در قرن‌های ششم و هفتم هجری بود. به طوری که در این ایالت ۱۵۰ قلعه در اختیار این فرقه بود که هر مجموعه از آن‌ها را یک

فرماندار کل یا حاکم بزرگ بود، زیرنظر داشت (بی‌نا، ۱۳۹۰). بخش جنوب غربی روستای جوین مشرف بر دره‌ای است به نام تریک.^{۱۰} این دره در حد فاصل روستا و کوه‌های غربی است که غار در دل آن قرار دارد. نوع این کوه‌ها کنگلومرای است که از طبقات رسوبی شن و ماسه درشت تشکیل شده است (رضوانی، ۱۳۷۸: ۲۷۷). چون این قلعه در نگاه اول به شکل غار می‌ماند و شاید قبل از ساخت آن، غاری در این مکان الهام بخش معماران آن بوده است (تصویر ۳).

بیش‌تر دژها پیش از اسماعیلیان آباد بودند و از آنها استفاده می‌شد. اما پاره‌ای از آن‌ها خراب بود و به دست اسماعیلیان مرمت شد و عده‌ای از آنها به دست رفیقان^{۱۱} ساخته شد. حمدالله مستوفی گوید: «... در مدت یک ماه پنجاه قلعه حصین چون الموت و میمون و سرخه و سرخه و دزک و نیره و بهرام‌دز و غیره مسخر شد...» (ستوده، ۱۳۴۵: ۷). احتمال می‌رود که منظور از دژ سرخه، قلعه روستای جوین باشد، زیرا در آن دوره هنوز آبادی لاسجرد رونق دوره صفوی را نداشت و کاروانسرای شاه عباسی آن موجود نبود و نزدیکترین آبادی به قلعه، سرخه بود.



تصویر ۳. عکس هوایی دره تریک، قلعه گبری و روستای جوین. قلعه و برج دیدبانی در جنوب و خانه‌های روستایی در شمال تصویر قرار دارند (مأخذ: google earth، ۱۳۹۴).

«کدخدا» و هر قلعه مجزای آن را یک «محتشم» که به منزله

کالبد قلعه گبری (کافرقلعه) جوین

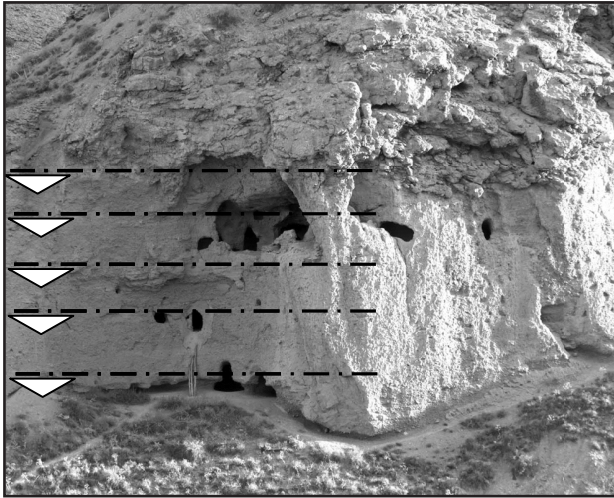
در اصطلاح محلی روستاییان به این دژ دفاعی، قلعه گبری یا قلعه کافر می‌گویند. این قلعه دست‌کند از یک طبقه تحتانی بدون ارتباط با دیگر طبقات و دو طبقه فوقانی اصلی و چهار نیم‌طبقه فرعی تشکیل شده است که به شکل پیچیده‌ای با هم ارتباط دارند. همچنین این قلعه دارای برج دیدبانی است که حدود ۱۰۰ متر با قلعه فاصله دارد. به گفته اهالی در گذشته این برج از طریق مسیری زیرزمینی به قلعه راه داشته است. نشانه‌ای شبیه به باروی دفاعی در کوه مجاور شرقی نیز قابل مشاهده است.

در واقع دژها نه تنها مکانی نظامی نبودند، بلکه با ایجاد فضاهای مختلف، مکان‌های مناسبی را برای زندگی جمعی فراهم می‌کردند و معمولاً در درون آن آذوقه لازم برای چندین ماه انبار می‌شد. همچنین برای محافظت از ساختمان‌ها، استحکامات و قسمت‌های مختلف قلعه، بارو می‌ساختند (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۵۵). دژهای مادی عمارت‌های مستحکمی بودند که بر فراز ارتفاعات و صخره‌های طبیعی یا بر خاکریزها و تپه‌های مصنوعی بنا می‌شدند (کلایس، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۷۳). در دوره ساسانی نیز معماری دفاعی شامل بناها و تأسیسات تدافعی از جمله حصارهای پیرامون شهرها و محوطه‌های مسکونی، انواع قلعه‌ها و دیوارهای عظیم دفاعی با برج و باروهای بسیار است (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۳۳). ضرابی نویسنده تاریخ کاشان، «دز» یا دژ را عبارت از قلعه واقع در قلعه کوه می‌داند و معتقد است در جایی که کوهسار نباشد، دژ هم نیست (ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۱۴). صاحب کتاب آثار البلاد و اخبار العباد معتقد است مردمانی که در سنگستان‌ها زندگی می‌کنند و تابستان گرم و زمستان سرد دارند، مردم آن سخت‌تن و بدخو و خودبین و مستبد و در جنگ شجاع‌اند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۴). گروهی از زرتشتیان شمال ایران که در اوایل دین اسلام را نپذیرفته بودند تا مدت‌ها در گیلان (دیلمان)، مازندران (طبرستان) و گرگان بر عقاید و آیین خود راسخ ماندند. هنوز بومیان محلی ناحیه غرب گرگان از واژه «گبری» به معنی زرتشتی (که

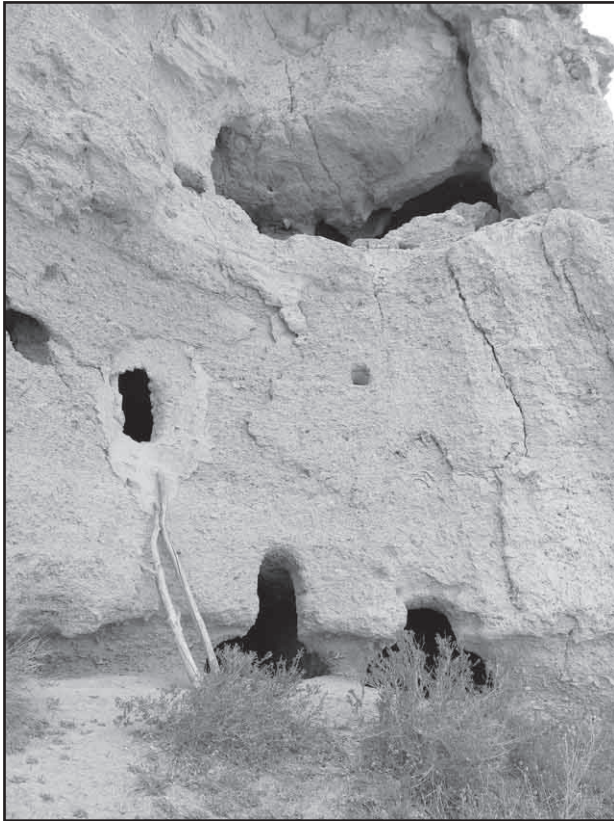
خودشان آتش‌پرست می‌گویند) برای نام بردن گورستان‌ها، قبور بزرگ و مجلل، تعدادی از آثار تاریخی و باستانی مثل قلعه‌های منطقه کوهستانی، بهره می‌برند و نیز هنوز (قلعه گبری) و (قبر گبری) از کلماتی هستند که از دهان بسیاری از روستاییان روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی گرگان می‌توان شنید (معطوفی، ۱۳۷۸: ۱۶۷). بنا به نوشته سید سجادی شهر مرو قلعه گبری داشته که در سده سوم پیش از میلاد گسترش پیدا کرد (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۱۴). بنابراین از این نوع اسامی در شهرهای ایران به کار رفته و وجود داشته است، که دلالت بر وجود قلعه‌ها در دوران قبل از ورود اسلام به ایران دارد.

طبقه اول قلعه

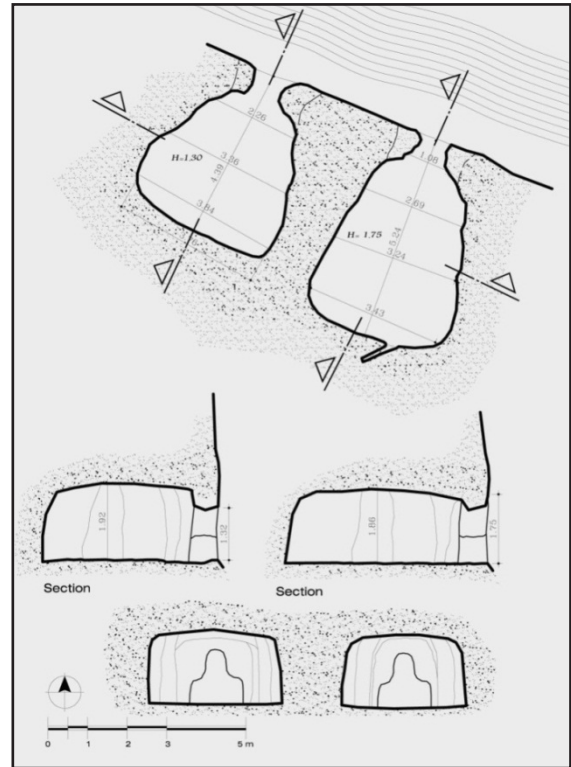
از قعر دره با گذر از رودخانه و شیب تندی به ارتفاع حدود شصت متر از آن، به فضایی مسطح می‌رسیم. درست در همین نقطه فضای مناسبی جهت حرکت و ایستادن به صورت طبیعی به وجود آمده است. در دیواره کوه دو فضای سر بسته دست‌کند به شکل سالن حفر شده است. این فضاها شکل منظمی ندارند. طول این فضاها ۴ و ۵ متر و بیشینه عرض آنها ۴ متر است. عرض دهانه آنها در ارتفاع ۱/۴ متری حدود ۰/۸ متر و در تراز زیر ۰/۷ متر، ۱/۹۰ متر است. این سطح اولین تراز قلعه محسوب می‌شود که به ترازهای بالایی قلعه راه ندارد. به نظر می‌رسد این فضاها برای نگهبانان و مراقبان قلعه ساخته شده است. یا احتمال می‌رود از احشام در این مکان‌ها نگهداری می‌شده است. مساحت هر یک از این زاغه‌ها حدود ۱۵ متر مربع است. در یکی از این فضاها حفره‌ای مورب به طول ۰/۸ متر ایجاد شده که کاربری آن نامعلوم است. انبار آذوقه و آخور در این فضاها وجود ندارد و فقط طاقچه‌هایی برای گذاشتن وسیله روشنایی را می‌توان در آنها دید (تصاویر ۴، ۵، ۶ و ۷).



تصویر ۳. نمای عمومی دره، قلعه گبری جوین، که قلعه و برج دیدبانی در جنوب و خانه‌های روستایی در شمال تصویر قرار دارند (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۴. نمای عمومی ورودی قلعه گبری جوین (عکس از: نگارندگان).



نقشه ۶. مقطع افقی از طبقه اول و نمایش فضاهای قلعه (ترسیم از: نگارندگان).

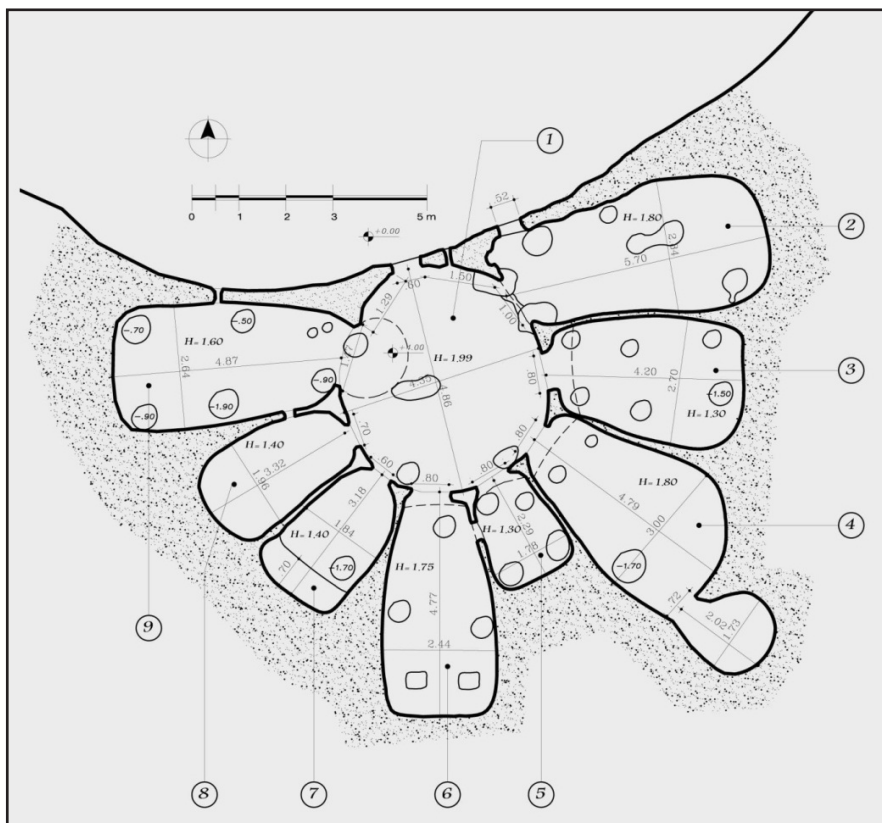
طبقه دوم (ورودی قلعه)

این طبقه ورودی اصلی قلعه محسوب می‌شود. این ورودی صعب العبور در ارتفاع ۴ متری طبقه اول قرار گرفته و شواهد مشخص است که در گذشته با نردبان یا ریسمانی به شکل کنترل شده ورود به قلعه امکان پذیر بوده است (تصویر ۴). دور تا دور دهانه ورودی با گچ نیمکوب اندود شده تا دچار فرسایش نشود و به نظر می‌رسد زمانی دارای در بوده است (تصویر ۵). دری چوبی که شبیه آن هنوز در مساکن روستای جوین یافت می‌شود چرا که در بالا و پایین آن آثار وجود چهارچوب دیده می‌شود. سمت چپ ورودی فضایی کوچکی برای دیدبانی تعبیه شده است. پس از داخل شدن از در ورودی باریک و کوتاه، به فضای مرکزی بزرگی می‌رسیم که پلان آن به شکل دایره متمایل به بیضی است. این فضا

با قطری حدود ۵ متر و ارتفاع ۲ متر و سقفی به حالت عرقچین، فضای اصلی و مرکزی این طبقه است (تصویر ۶، ۷ و ۸). دسترسی به طبقات بالا از این طبقه میسر می‌شود. هشت اتاق دست‌کند به صورت شعاعی در اطراف فضای مرکزی شکل گرفته‌اند. عرض درگاه تمام اتاق‌های این طبقه از ۱/۵ تا ۰/۶ متر متغیر است و بر خط محیط دایره مرکزی جای گرفته‌اند. همنشینی اتاق‌ها به طرز زیبایی ایجاد شده است. کفشان به اندازه ۰/۳ متر بالاتر از فضای مرکزی است. ابعاد این اتاق‌ها به جز یکی که کوچک‌تر از بقیه است، حدوداً یکسان است و دریچه‌های ورودی آنها حدود ۰/۸ متر عرض و ۱/۵ متر ارتفاع دارد. قوس ورودی اتاق‌ها به صورت هلالی خفته است (تصویر ۹). در کف و گوشه‌های اکثر اتاق‌ها گودال‌هایی وجود دارد که قطرشان در حدود ۰/۵ متر و طولشان متغیر و حدود ۱/۵ متر است. اطراف این حفره‌ها با ماده‌ای از جنس اندود در ورودی پوشیده شده است. به نظر آقای رضوانی این گودال‌ها محل ایجاد آتش

بوده است: «آثار سوختگی در اطراف گودال‌ها دیده می‌شود. همچنین پس از تخلیه خاک درون یکی از گودال‌ها، زغال، چوب‌های سوخته‌شده در ته آن مشاهده گردید» (رضوانی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). اما به نظر می‌رسد پس از روشن کردن آتش در این گودال‌ها در دوره اخیر، زباله‌ها و پسماندها را در این گودال‌ها تخلیه و خاک کرده‌اند و یا در گذشته زغال‌هایی در این گودال‌ها قرار داده‌اند تا حشرات را از غلات دور کنند؛ به‌ویژه آنکه بیشتر این گودال‌ها به عنوان انبار غلات استفاده می‌شده است. در اکثر درگاه‌ها آثار و نشانه چارچوب وجود دارد که اندود شده است. در بالا و سمت راست هر ورودی اتاق، طاقچه‌هایی کوچک در دیوار کنده شده که محلی برای قرار دادن وسیله روشنایی بوده است (نقشه ۷).

در بالای اتاق شماره (۹) فضای ورودی به طبقه اصلی بالا و نیم‌طبقه دیگری قرار دارد. قطر این حفره حدود ۱/۵ متر است. کف اتاق شماره (۸) هیچ گودالی ندارد و در اتاق شماره (۷) در انتهای اتاق سکویی به عرض ۰/۷ متر قرار دارد. دو



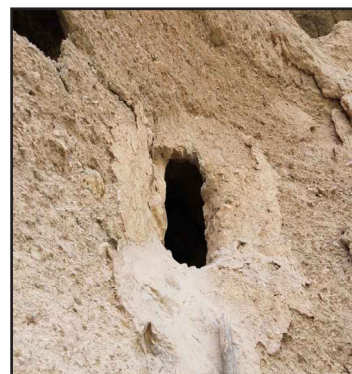
نقشه ۷. مقطع افقی از تراز دوم و ورودی قلعه؛ نمایش فضاهای قلعه جوبین (ترسیم از: نگارندگان).

اتاق کوچک‌تری به مساحت حدود ۴ متر مربع کنده شده است (تصویر ۱۰). به دلیل تاریکی مطلق این اتاق، به نظر می‌رسد این فضا انبار آذوقه‌های ویژه بوده است. سقف اکثر اتاق‌ها دودخورده است. احتمالاً گودال‌های کم‌عمق [کف] محل ایجاد آتش بوده است. این تراز با نقشه ویژه‌ای به شکل منظم شکل گرفته است. فضای اصلی، فضایی است نزدیک به شکل دایره. در این طبقه هشت اتاق (زاغه‌ها) وجود دارد



تصویر ۶. نمای سالن همکف که در انتها حفره‌های دارد (عکس از: نگارندگان).

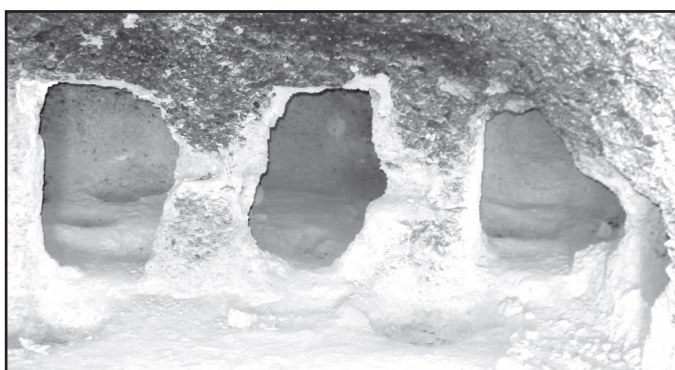
حفره مربع‌شکل در اتاق شماره (۶) تعبیه شده که کاربری آن نامعلوم است. شاید پایه‌های ابزاری دفاعی یا تولیدی در این اتاق قرار می‌گرفته است. زیرا این حفره‌ها شبیه حفره پایه‌های دستگاه عبابافی‌های نایین است. کوچکترین فضا، اتاق شماره (۵) است که درست در راستای ورودی قرار گرفته است. در بالای اتاق (۳) و (۴) دو اتاق دیگر به حالت نیم‌طبقه ایجاد شده است. در انتهای اتاق شماره (۴)



تصویر ۵. نمای ورودی اصلی قلعه جوبین (مأخذ: نگارندگان).



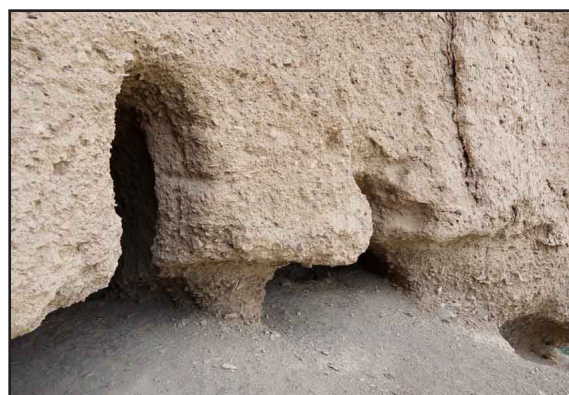
تصویر ۸. نمای سرسرای ورودی قلعه جوبین و نیم‌طبقه (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۷. نمای ورودی اتاق‌ها از سرسرای مرکزی در تراز دوم قلعه جوبین (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۱۰. اتاق شماره ۴ (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۹. ورودی سالن‌های طبقه همکف (عکس از: نگارندگان).

که فضاهایی نزدیک به مستطیل و بیضی دارند. مساحت این زاغه‌های دست‌کند از ۴ تا ۱۶ متر مربع متغیر است.

طبقه سوم قلعه (نیم طبقه اول)

در این تراز دو اتاق قرار دارد که با اتاق‌های پایین کمی متفاوت است، زیرا فراز و نشیب‌هایی در جداره اتاق‌ها ایجاد شده است. یکی از آن‌ها اتاقی مضاعف تو در تو دارد و طرز قرار گرفتن آنها به شکلی است که کف آنها دقیقاً روی سقف اتاق زیرین قرار ندارد (نقشه ۸).

طبقه چهارم (نیم طبقه دوم)

این فضا اتاقی پیچ در پیچ و دنبال هم است که بیشتر مانند راهرو برای عبور کننده شده است و از برخی گودال‌ها

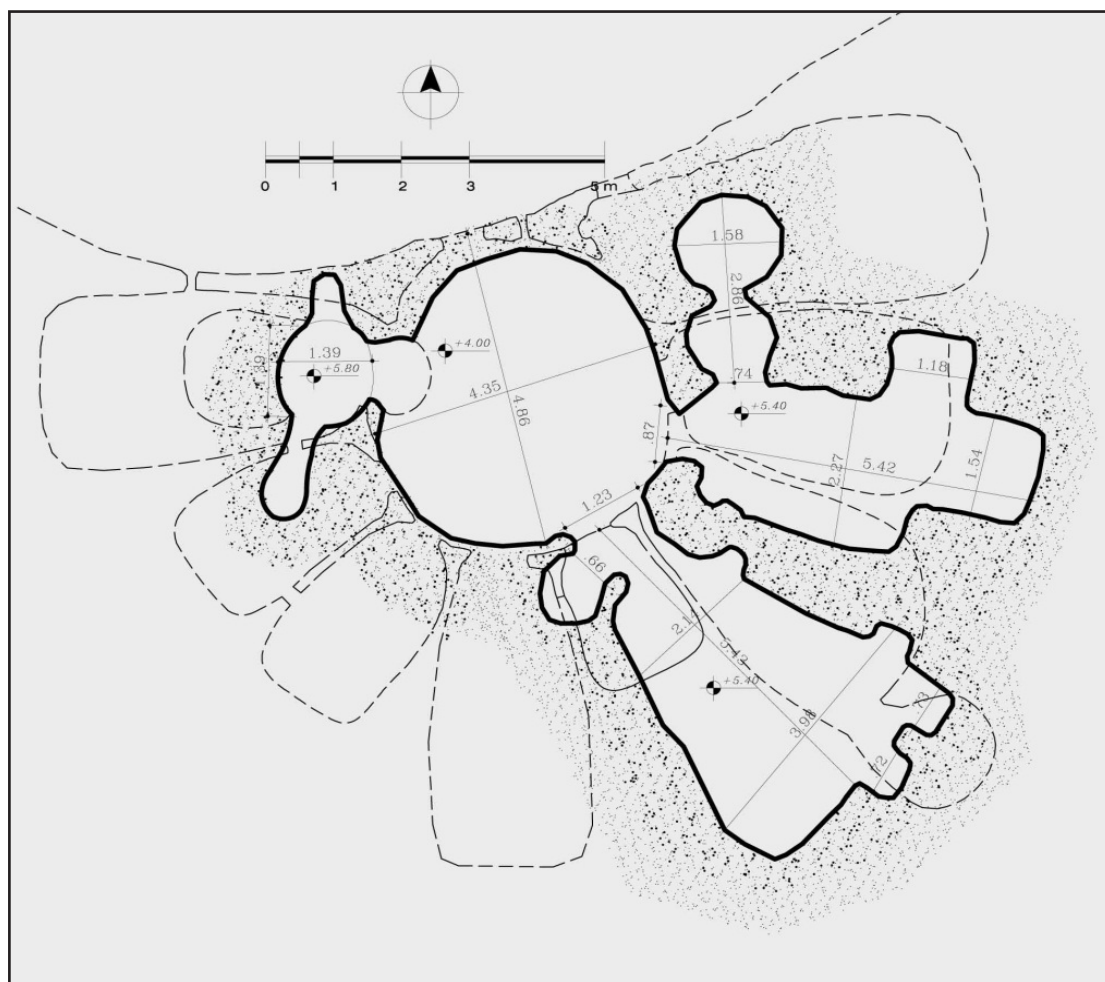
نورگیری می‌کند. این فضا نیاز به بررسی بیشتری دارد.

طبقه پنجم قلعه (نیم طبقه سوم)

این فضای نسبتاً وسیع ما بین دو طبقه اصلی قرار دارد و ورود به آن از طریق حفره ورودی به طبقه بالا میسر می‌شود.

طبقه ششم

از گوشه شمالی در نزدیک ورودی اصلی از طریق یک حفره، حلزونی شکل می‌توان به طبقه بالا راه یافت. معماری این طبقه شبیه به طبقه پایین است و فقط تفاوت‌هایی در ابعاد و تعداد اتاق‌ها و کوچکی و بزرگی فضاها به چشم می‌خورد (رضوانی، ۱۳۷۸: ۲۷۹). اگرچه در این طبقه نیز فضاها شعاعی استقرار یافته‌اند، اما فضای مرکزی کاملاً متفاوت است و به صورت فضای نیمه‌باز بزرگ و سپس ایوانی



نقشه ۸. مقطع افقی از تراز دوم (نیم طبقه اول) قلعه جوبین (مأخذ: نگارندگان).



نقشه ۹. مقطع افقی از تراز پنجم قلعه و مهمترین تراز قلعه در دستگاه UTM (ترسیم از: نگارندگان).

تن است. البته گودال‌هایی که دال بر حفاری غیرمجاز است هم دیده می‌شود (تصویر ۱۲ و ۱۳).

طبقه هفتم قلعه (نیم طبقه چهارم)

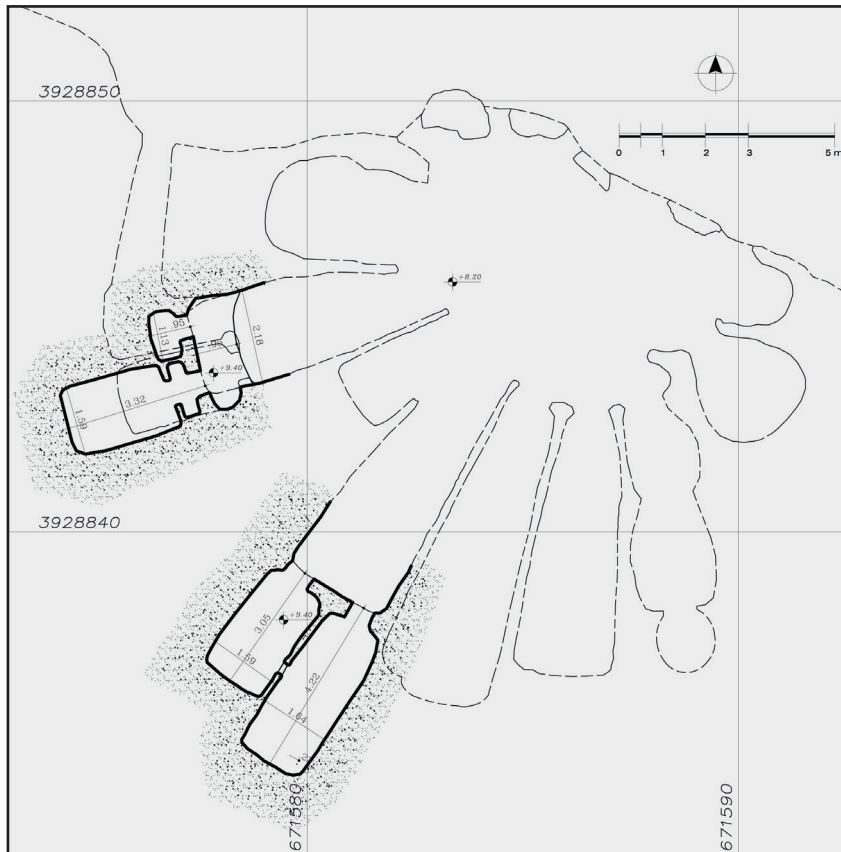
این تراز از دو بخش نیم طبقه تشکیل شده است که سالن‌های شماره (۶) و (۸) بدان‌ها راه دارند (نقشه ۱۰).

برج دبدبانی قلعه

عظاملک گوید حسن صباح از قلعه‌ها آنچه میسر می‌شد به

کوچک‌تر به شکلی نزدیک به قوس است که اتاق‌ها در جداره آن تعبیه شده‌اند (نقشه ۹) (تصویر ۱۱).

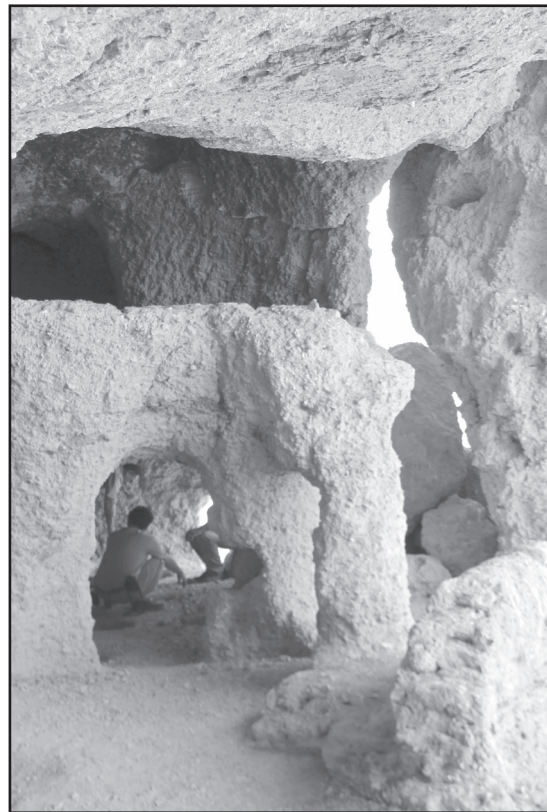
در این تراز اتاق شماره (۸) یک راهرو و یک نیم طبقه دارد. جالب اینکه در کف همین اتاق گودالی شبیه به کانال حفر شده است که سنگ بزرگی در آن وجود دارد که احتمال می‌رود سنگ آسیاب یا بخشی از آن باشد، زیرا به گفته اهالی، قلعه در گذشته برای خود آسیابی داشته است. در کف تمام فضاهای بسته قلعه گودال‌های انبار آذوقه مشخص است. مجموع ظرفیت فضاهای آذوقه این قلعه بالغ بر چند



نقشه ۱۰. مقطع افقی از تراز ششم قلعه (ترسیم از: نگارندگان).



تصویر ۱۱. طبقه ششم قلعه (مهم‌ترین طبقه) نمایش ورودی اتاق‌ها از درون فضای مرکزی (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۱۲ و ۱۳. مسیر احتمالی گردش آب و آسیاب در طبقه ششم قلعه، اتاق شماره (۸).

- این روستا در چین خوردگی‌های دامنه جنوبی رشته کوه البرز به دلیل وجود آب فراوان، خاک حاصلخیز و موقعیت مناسب سوق الجیشی، پدید آمده است و کتیبه منبر چوبی (ایلخانی) و محراب (سلجوقی) مسجد تاریخی روستا گواه رونق آن در هزار سال پیش است.

- در مورد این قلعه یا دژ دفاعی دست‌کند و فضاهای مسکونی می‌توان نظریه‌های مختلفی را بیان کرد: این قلعه در طول دوران پیش از ورود اسلام به ایران شکل گرفته است. دلیل این مدعا، نامی است که بر آن نهاده اند؛ «قلعه گبری یا قلعه کافر». این قلعه در دوران اسلامی تکامل بیشتری یافته و عناصر دفاعی دیگری بدان افزوده شده است و حتی با توجه به منبر چوبی، در دوران ایلخانان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

- احتمالاً این قلعه در دوران اسلامی به عنوان دژی از دژهای دفاعی دوره اسماعیلیه، مانند دیگر دژهای دیگر اسماعیلیه در منطقه‌ای دور از دسترس، کوهستانی دارای برج دیدبانی

دست می‌آورد و هر کجا سنگی می‌یافت که بنا را می‌شایست، بر آنجا قلعه بنیان می‌نهاد (ستوده، ۱۳۴۵: ۷). بر این اساس می‌توان احتمال داد، برج دیدبانی قلعه جویین از بناهای الحاق شده به دژ باشد که برای تأمین امنیت بیشتر قلعه، در دوره‌ای پس از ساخت قلعه بدان اضافه شده است. فاصله برج دیدبانی با قلعه حدود صد متر است. برج با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده، که در حال حاضر بخش‌های زیادی از آن تخریب شده و ورودی و اجزاء آن قابل رویت نیست. اهالی روستا بر این باور اند که در گذشته، از برج دیدبانی به قلعه مسیری [تونلی] بوده که در گذر ایام تخریب شده است.

نتیجه‌گیری

- بررسی‌های تاریخی - تحلیلی در مورد روستای جویین نشان می‌دهد که این روستا تحت تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی شکل فضایی خاصی پیدا کرده است.

و بارو بنا شده است. این قلعه دارای معماری پیچیده‌ای است. در هر صورت این موضوع نیازمند مطالعات بیشتر است.

- به احتمال قوی مهم‌ترین عنصر پشتیبانی قلعه حفره‌های آذوقه است که می‌تواند در مواقع خطر، مقدار زیادی از غلات را در خود ذخیره نماید. این مخازن برخلاف مخزن آذوقه خانه‌های روستای جوین، که در جداره در نظر گرفته شده، در اینجا در کف فضاهای قلعه کنده شده است.

- با بررسی پلان قلعه می‌توان مشخص کرد که فضایی به عنوان دهلیز ورودی در ابتدا ایجاد شده و پس از آن سرسرای مرکزی ایجاد شده است. این سرسرای فضای عمومی محسوب می‌شود و در انتها اتاق‌های متعدد و پستوها (فضاهای خصوصی‌تر) قرار گرفته اند که سلسله‌مراتب معماری بومی موجود در مناطق کویری را تداعی می‌کند.

- با توجه به اندود نشدن کف و بدنه‌های قلعه می‌توان به موقتی بودن سکونت در آن پی برد. کف خشن، نداشتن ورودی‌های تعریف‌شده، تزیینات معماری و همچنین بخاری دیواری و طاقچه‌های متعدد، دلایل این نظر است. - به دلیل جنس خاک و فرسایش باد و باران و جدا شدن لایه‌های سطحی دیواره‌های کوه مجاور و رودخانه، قریب بخش وسیعی از نمای اصلی قلعه از بین رفته و باعث تخریب بخش‌هایی از فضاهای قلعه نیز شده و پلان بخشی از معماری دست‌کند قلعه را نمایان ساخته است. بنابراین وجود راه‌های دسترسی ورودی محتمل است و ممکن است در گذشته ورودی ایمن‌تری برای عدم نفوذ بیگانگان وجود داشته است.

- ارتباط طبقات قلعه با برج و باروی بالای آن، و استفاده از آب چشمه در داخل قلعه یکی دیگر از حالات دفاعی بودن عملکرد قلعه را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. درباره شهر لاسجرد در سفرنامه سیف‌الدوله مربوط به دوران قاجار آمده: «...آبادی لاسگرد در جلگه کوچکی واقع و ده معتبری است. اصل بنای آن قلعه مدور بسیار محکمی از

مصالح کبالت بوده است. وسط این قلعه چاهی بوده که از داخل چاه به اطراف، چند مسیر وجود داشته است و کسی انتهای این نقب‌ها را ندیده است. در خارج این قلعه، خانه‌های رعیتی زیاد و آب آن از چشمه است. باغات و زراعت خوبی دارند. پنبه و خربزه و هندوانه اینجا خوب کشت می‌شود. از این رو زن‌های این آبادی بسیار زیبا می‌شوند. پنیرش بسیار خوب است و به سمنان و طهران به جهت فروش می‌برند. خارج از آبادی لاسجرد، کاروانسرای از قدیم است. این کاروانسرا چاپارخانه هم دارد...» (قاجار، ۱۳۶۴: ۲۸۵).

۲. یکی از دشواری‌ها، جست‌وجو در منابع مکتوب بود، لذا تشابه اسمی بین آبادی «جُوین» و «جُوین» وجود داشت. در متون تاریخی بیشتر از جُوین نیشابور صحبت به میان آمده است. جُوین نیشابور چون آبادی معروف‌تر و در مسیر اصلی ارتباطی قرار گرفته بود، لذا در متون نیز نام جُوین آورده شده است. به نظر عظام‌الملک جوینی (ف: ۶۸۱ق)، امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی استاد غزالی و خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، معروف به صاحب دیوان از اهالی جُوین نیشابور باشند.

۳. به علت نبودن پایگاه میراث فرهنگی در منطقه و عدم امکان حضور مستمر و مداوم در محل، برای شناخت عمیق مجبور به رفت و آمدهای مکرر بودیم.

۴. آقای حسن رضوانی (باستان‌شناس) این مقاله را در دومین کنگره ارگ بم به چاپ رسانده است. گروه برداشت پس از برداشت اولیه قلعه از این موضوع آگاه شد.

۵. منبر چوبی در حال حاضر در مسجد موجود است و نیازمند حفاظت و نگهداری جدی‌تر است.

۶. جای دارد از خانم دکتر مهناز اشرفی، مهندس علی‌رضا شاه‌محمدپور، مهندس امید پرواز و مهندس محمد فراهانی بابت کمک‌هایشان به گروه کمال تشکر را ابراز داریم.

۷. در حال حاضر این مسجد بر اثر سیل و حوادث طبیعی ویران شده است و مسجد جدیدی بر جای آن ساخته اند، اما محراب و منبری تاریخی در جای خود باقی است. محراب متعلق به دوره سلجوقی است و به شماره ۱۹۹۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۸. در این روستا آثار دو قلعه وجود دارد: یکی در کوه جنوبی مشرف به روستا که به صورت دست‌کند به وجود آمده و دارای برج دیدبانی است و هنوز وجود دارد و قلعه دیگر در زمین‌های بالادست روستا قرار دارد که دارای طرحی دایره‌ای است و بسیار فرسایش یافته و نیازمند بررسی‌های باستان‌شناسی است.

۹. کبالت به صورت ترکیبات شیمیایی مختلف در طبیعت وجود

دارد. کبالت خالص فلزی خاکستری، براق و سخت است. کبالت در صنعت کاربردهای گسترده‌ای دارد و علاوه بر روش تهیه معمول، می‌توان آن را از قراضه فلزات محتوی کبالت به دست آورد.

۱۰. Terik

۱۱. رفیقان همان اسماعیلیه بودند. این گروه در ایران به نام اسماعیلیه و در دیگر کشورها به اسامی دیگر شناخته می‌شدند. آنها معتقدند که اسماعیل نخست از طرف پدر به جانشینی وی تعیین شد ولی بعد حضرت امام صادق (ع) پسر دوم خود، حضرت امام موسی (ع) را جانشین خود کرد. اسماعیلیه انتصاب اخیر را نپذیرفتند و گفتند امام نمی‌تواند تغییر عقیده دهد. اسماعیل پنج سال پیش از وفات پدر در مدینه به سال ۱۴۵ق درگذشت و در مقبره بقیع الغرقد مدفون شد. با آنکه گروهی شاهد مرگ اسماعیل بودند، طرفداران وی ادعا کردند که او تا پنج سال پس از وفات پدر زندگی کرده و او را در بازار بصره مشاهده کرده‌اند، و آنجا مردی مفلوج را با دست شفا بخشیده است (جامع التواریخ).

منابع

- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. (بی تا). ترجمه مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران. ترجمه ح مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله. (۱۳۷۱). مسالک و ممالک. ترجمه سعید خاکرند. تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل: موسسه فرهنگی حنفاء.
- ابوسلیمان داود بن ابی‌الفضل محمد البناکتی. (۱۳۸۶). روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب المشهور بتاریخ البناکتی. ترجمه محمود عبدالکریم علی. قاهره: مرکز القومی للترجمه.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۹۲). تحدید نهایات الامکن لتصحیح مسافات المساکن. ترجمه احمد آرام. تهران: دانشگاه تهران.
- اشرفی، مهناز. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی معماری روستای جوین (مصاحبه)». در <http://www.yjc.ir/fa/news/5252874>. تاریخ انتشار ۱۵ تیر ۱۳۹۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سمنان. (۱۳۹۳). طرح هادی

روستای جوین: نقشه کاربری اراضی وضع موجود. سمنان: معاونت عمران روستایی.
- بی‌نا. (۱۳۹۰). بانک جامع امامزادگان ایران (الکترونیکی). اصفهان: مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان.
- پرونده ثبتی محراب سلجوقی روستای جوین به شماره ثبت ۱۹۹۴.
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. (۱۳۸۶). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. ج ۱. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۸۶). جامع‌التواریخ. تصحیح محمد روشن. تهران: میراث مکتوب.
- رضوانی، حسن. (۱۳۷۸). «معماری دست‌کن در غار جوین». در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۴. ص ۲۷۷-۲۸۶. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۴۵). قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز. تهران: دانشگاه تهران.
- سیدسجادی، منصور. (۱۳۸۳). مرو: بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- شیپمان، کلاوس. (۱۳۸۴). مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: فرزاد.
- عدل، شهریار. (۱۳۷۸). «شرحی بر جغرافیای تاریخی دامغان». ترجمه اصغر کریمی. در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۴. ص ۱۱-۵۹. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فضل‌الله، رشیدالدین. (۱۳۸۶). جامع‌التواریخ. تهران: میراث مکتوب.
- قاجار، سلطان محمد میرزا. (۱۳۶۴). سفرنامه سیف‌الدوله. تهران: نشر نی.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. ج ۱. تهران: امیر کبیر.
- کلایس، ولفرام. (۱۳۸۳). قلاع در معماری ایران دوره اسلامی. گردآوری محمد یوسف کیانی. چاپ سوم. تهران: سمت.
- کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی). (۱۳۷۸). تاریخ کاشان (مرآة القاسان). به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- لسترنج، گای. (۱۳۳۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۸). گرگان و استرآباد سنگ‌مزارها و